



بهترین عقیده درباره کوروش آن است که او همان ذوالقرنین قرآن کریم است

گفت وگویی فلسفی درباره طبیعت و معرفت در تمدن ایرانی و اسلامی با دکتر سید مصطفی محقق داماد...

گفت وگویی فلسفی درباره طبیعت و معرفت در تمدن ایرانی و اسلامی با دکتر سید مصطفی محقق داماد، استاد فلسفه دانشگاه تهران در مجله نوروزی خبرآنلاین ...

منوچهر دین پرست - دیدار نوروزی ما با دکتر سید مصطفی محقق داماد، استاد فلسفه دانشگاه تهران روز بعد از سخنرانی او در مراسم تشییع مرحوم دکتر افشار انجام گرفت. سخنرانی ای که بسیار شنیدنی و پر حاشیه بود. پایان سخنرانی اش هنگامی که فریاد زد: "چو ایران نباشد تن من مباد" با کف زدن ها و تشویق فراوان عزاداران روبرو شد. با او که رئیس موقوفات مرحوم دکتر محمود افشار است، به طبیعت رفتیم گفت وگو کردیم و چند عکس نوروزی گرفتیم.

مفهوم طبیعت، مفهوم محوری در حکمت و فلسفه است. در قرن های گذشته و پیش از دوره رنسانس و انقلاب صنعتی، انسان سنتی، یعنی انسانی که هنوز از خدای خود بیگانه نبود به عالم طبیعت به عنوان مظهر و خاستگاه جمال الهی می نگریست و مفهوم طبیعت نیز گونه ای حقیقی بود. در آن اندیشه ها انسان به عالم طبیعت به عنوان صحنه تجلی جمال و جلال الهی نظر می کرد و وجود خود را نیز از طبیعت و آفریننده آن جدا نمی دانست.

در نظر چنین انسانی جهان طبیعت برگی از درخت معرفت کردگار بود و نشانی از عظمت و خلاقیتی الهی. این انسان سنتی حفظ حرمت طبیعت را به مثابه بخشی از فریضه دینی و اخلاقی خود بسیار جدی می گرفت و تجاوز به حرمت طبیعت را در حقیقت در حکم طغیان و سرکشی در برابر خداوند می دانست. در گفت وگو با دکتر سید مصطفی محقق داماد، استاد فلسفه دانشگاه تهران برخی از وجوه نسبت الهیات و طبیعت مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

جناب استاد محقق داماد یکی از موضوعاتی که در فرهنگ و تمدن اسلامی به آن بسیار بها و اهمیت داده شده بحث طبیعت و محیط زیست آدمی است. چرا که این موضوع نه تنها با جان آدمی سر و کار دارد بلکه با فکر و اندیشه انسان نیز ارتباط مستقیمی دارد. بسیاری از علما، فیلسوفان و عرفا مبانی اندیشه هایشان را از طبیعت الهام گرفته اند و حتی هنرمندان نیز با الهام از طبیعت به خلق آثاری در زمینه های مختلفی مانند معماری، ساخت مساجد و مناره ها، موسیقی، نقاشی و تذهیب اقدام کرده اند. لذا بحث طبیعت از مباحث بنیادین در فرهنگ و باور اسلامی است. نظر شما در این مورد چگونه است؟

یکی از مهم ترین مسائل و دغدغه های انسان معاصر موضوع طبیعت و محیط زیست است. این قضیه تا بدانجا حساس شده که به آن بحران محیط زیست نیز اطلاق می کنند. این بحران نیز به واسطه نوع تفکر انسان و نگرش او به طبیعت به وجود آمده است. به عبارتی دیگر علت اساسی بحران محیط زیست و تخریب طبیعت و از میان رفتن منابع ارزشمند طبیعت که به نابودی محیط زندگی انسان انجامیده است، نگرش و رویکرد جدیدی است که انسان پس از دوران رشد علمی جدید و صنعتی شدن به طبیعت داشته است.

علم جدید طبیعت را به مثابه ماده ای بی جان می داند که انسان قدرت و اجازه هرگونه دخل و تصرف را در آن دارد و مشکل تجاوز به طبیعت از همینجا ناشی می شود، حال آنکه در فرهنگ های سنتی و شرق و بویژه اسلام و در تصور و اندیشه شیعی و ایران زرتشتی قبل از اسلام طبیعت ودیعه ای الهی است که انسان موظف به رعایت احترام، قداست و حفظ تعادل در آن است. عواقب ناشی از تخریب محیط زیست و تاثیر آن بر زندگی انسان، نگرانی از بحران های برخاسته از مصرف بی رویه تصنیع، اسراف و تبذیر منابع طبیعی دغدغه خاطر اصلی جوامع بشری در دهه های اخیر است و جای تردید نیست که توجه و اهتمام به این امر وسیع در جبران مافات تحت عنوان حفاظت از محیط زیست موضوعی است جدید که پس از مواجهه انسان دوران صنعت با بروز مشکلات ناشی از ابزار تولید نخست در جهان صنعتی غرب مطرح شد و سپس ممالک جهان سوم به تدریج از آن پیروی کردند.

ولی این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که تذکار، تحذیر و انذار انبیا و معلمان الهی نسبت به اینکه زمین به صورت صلاح و به دور از هر گونه فساد و آلودگی به گونه امانت به انسان سپرده شده و از فساد و تباهی آن، باید اجتناب کند و در تعمیر و آبادانی آن سعی و کوشش کند در تاریخ بشر سابقه دیرینه ای دارد تا آنجا که به گواهی متون مقدس به آغاز خلقت آدمیان باز می گردد. به هر حال اگر

موضوع محیط زیست را مشکل اصلی زندگی بشریت معاصر بنامیم، گزاف نگفته‌ایم.

از نگرش شما مشخص است نگاهی فرامادی و به تعبیر دیگر مادی انگاشتن موضوعات مرتبط با محیط زیست و طبیعت را اشتباه می‌دانید بلکه می‌بایست نگاهی مبنایی و معنوی به طبیعت داشت.

دقیقا مقصود من همین است. چرا که بحران زیست محیطی بشر معاصر، بحرانی معنوی است نه مادی و در جهان‌بینی‌ها و نگرش‌ها و نگاه انسان امروز به طبیعت و تفسیری که از طبیعت ارایه می‌دهد، ریشه دارد و مادام که نگاه انسان معاصر به عالم هستی بر بنیادی غیرمادی استوار نگردد و رابطه او با محیط پیرامونش اصلاح نشود از چنبره این بحران نجات نخواهد یافت.

علم‌گرایی انسان به همراه انسان‌گرایی او که نوعی خودپرستی را تداعی می‌کند از مهم‌ترین عوامل سلطه‌جویی انسان قرون اخیر از طبیعت است. در واقع انسان که به شیوه فرعون، خویش را مالک بلامنازع زمین می‌شمرد و در برابر خداوند و معنویت و قوانین حاکم بر طبیعت و حتی نسبت به خویش طغیان کرده است خود را مجاز به هر گونه دخل و تصرفی در طبیعت می‌پندارد. انسان با وجود پیشرفت‌های تکنیکی و مادی و علمی از نظر معنوی به قهقرا رفته و دچار نوعی بت‌پرستی شده است.

او علم را به مثابه بتی بر تارک هر آنچه می‌سازد قرار داده و به آن سجده می‌کند و جالب است که این بت نیز الوهیت خویش را باور کرده و امر بر او مشتبه شده است و هرگونه مفاهیم دارای مفاد روح و روان را بر آستانش سر نسایند و تسلیم بی‌چون و چرای او نشوند، بدون محاکمه از دم تیغ می‌گذراند.

تعریف اینگونه جهان‌بینی از ماده چگونه خواهد بود؟

این جهان‌بینی طبیعت را ماده‌یی بی‌جان و فاقد معنی معرفی می‌کند و هرگونه تصرف در آن برای کسب ثروت و پاسخ به امیال و هواهای نفسانی مجاز است، در حالی که در جهان‌بینی الهی طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات و معنی و دارای ملکوت است و قوانینی بر آن حاکم است که تخطی از آنها زمینه مبارزه جهان را با عنصر خاطی فراهم می‌آورد که نتیجه آن یا اصلاح و به راه آمدن یا هلاک عناصر و عضو خاطی حتی اگر انسان باشد، خواهد بود. به دیگر سخن، جهان‌بینی الهی تبیین معنوی جهان است و نمی‌تواند جهان طبیعت و عالم وجود و اجزای آن را پوچ و بی‌شعور قلمداد کند. انسان موجد هستی را نه دستگاهی مادی و بی‌شعور و بی‌هدف و پوچ که یک پیکره زنده و حساس و خودآگاه و معقول و دارای نیروی اراده، علم، آرمان و آفرینندگی می‌نگرد. به نظر او طبیعت از مجموعه هماهنگ پدیده‌ها و نموده‌ها با نظام دقیق تشکیل شده و متوجه هدف متعالی است.

با چنین توصیفی که شما از جهان‌بینی حفاظت معنوی طبیعت ارایه کردید، به نظر شما چرا برنامه‌ها، ایده‌ها و نظریه‌هایی که از سوی گروه‌ها و اشخاص و حتی سازمان‌های مختلف اعم از حقیقی و حقوقی در غرب درباره حفظ طبیعت ارایه شده ناکارآمد بوده است؟

همانطور که در صحبت‌های قبلی اشاره کردم و اینک نیز تاکید می‌کنم، در پاسخ به سوال شما باید اظهار کنم که اینگونه ایده‌ها و آرمان‌ها که درباره حفظ و کرامت طبیعت ارایه شده را باید در عدم تغییر جهان‌بینی‌های غالب جست‌وجو کرد، به این معنی که بشر غربی در قالب جهان‌بینی و تفکری که موجد مشکلات زیست محیطی است، سعی در حل آن دارد که طبعا غیرممکن خواهد بود و به صراحت می‌توان گفت که اصلاح وضع موجود جز با تغییر نگرش به عالم هستی ممکن نمی‌شود.

نکته قابل توجه اینکه در کشورهای جهان سوم به دلیل تمایز در فرهنگ‌ها و جهان‌بینی‌ها، تفاوت میزان توسعه صنعتی، تنوع شرایط اقلیمی و اختلاف در توانایی‌های علمی و اقتصادی با وجود امکان برخی عناوین و سرفصل‌های مشابه، راه‌حل‌های متعلق به هر کشور و ملتی با سایر کشورها و ملت‌ها متفاوت است. جوامع باید از تکرار و تقلید آنچه در سایر ممالک می‌گذرد، احتراز کنند و به احتمال تسری و رواج جهان‌بینی و فرهنگ رایج در آن ممالک که در تضاد و تقابل با فرهنگ و جهان‌بینی ملتشان باشد توجه کنند، چرا که اقتباس از هر روش و عمل و فرآورده‌های فرهنگ خاص خویش را نیز به همراه دارد.

می‌شود از سخنان شما اینگونه فهمید که نسخه‌هایی که برای راه‌حل بحران طبیعت و حفاظت از آن برای مردم غرب پیچیده شده برای مردم شرقی که دارای فرهنگی کاملا متفاوت هستند، شفا بخش نخواهد بود و متقابلا مبنای بسیار نجات بخش در فرهنگ‌های جهان سوم وجود دارد که نادیده گرفتن و بهره‌مند نشدن از آنها خسارتی عظیم خواهد داشت. امکان دارد درباره این مبنای که در شرق بویژه در ایران وجود دارد نظرتان را بیان کنید؟

ایران سرزمینی است که تمدن و فرهنگ ژرف و غنی دارد و اندیشمندانی را در طول تاریخ به خود دیده که بدون هیچ‌گونه تردیدی نمی‌توان ایران را در فرهنگ‌های شرقی نادیده گرفت. من معتقدم که ایران در سایه فرهنگی می‌زید که از 3 عنصر اصلی: ایرانی، اسلامی و شیعی سامان و شکل گرفته است. به گواهی اسناد، ایرانیان قبل از اسلام با الهام از تعالیم مذهبی آیین زرتشت به طبیعت

بوژه خاک، آب، آتش و هوا و گیاه به مثابه عناصری مقدس می‌نگریسته‌اند که نه تنها آلودن آنها گناه شمرده می‌شد که پاک نگه داشتن و پاک کردن آنها وظیفه‌ی دینی بوده است ضمن آنکه علاوه بر وجه ظاهری و دنیایی، وجهی معنوی و آسمانی نیز برای آنها قایل بودند.

ایرانیان به شخصیتی مانند کوروش مفتخرند که به نظر ما بهترین عقیده درباره وی آن است که او همان ذوالقرنین قرآن کریم و از پایه‌گذاران حقوق بشر دوستانه و رعایت اصول انسانی و حمایت از منابع زیست‌محیطی در زمان جنگ و درگیری مسلحانه است.

سلاطین آسور قبل از وی به ویرانی طبیعت مباحثات می‌کردند اما کوروش اینگونه نبود و عقیده‌اش بر حفظ طبیعت استوار بود. به هر ترتیب با تأثیرگذاری جهان‌بینی اسلامی، غنای فرهنگ ایرانی در رابطه انسان با طبیعت و چگونگی بهره‌گیری از آن دو چندان شد. عالم هستی در نظر ایرانی مسلمان بطور کل و یکجا آیه‌ی از حق متعال و وجهه ربوبی است و شریعت اسلامی مراعی داشتن اصولی همچون احتراز از اسراف و تبذیر و رعایت میانه‌روی و تعادل و قناعت و بهره‌گیری از منابع طبیعی در مسیر منطقی و انسانی، حقوق حیوانات، گیاهان و حتی جمادات و نفی هرگونه سلطه‌جویی مفسدانه را مورد تأکید قرار داد. ایرانیان با بهره گرفتن از آموزه‌های پیشوایان گرانقدر شیعی، از اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و الگو قرار دادن گفته‌ها و سفارش‌ها و نیز سیره عملی در زندگی آنان این فرهنگ را به اوج کرامت و فضیلت رساندند.

امیرالمومنین علی(ع) به مسلمانان در حفظ محیط‌زیست و عدم تعرض آنها حتی در زمان درگیری‌های مسلحانه تذکر می‌دهد و حمایت از آنها را در کنار ارزش‌های انسانی و جان آدمیان قرار داده است. اینگونه دستورهای اسلامی درباره حفظ طبیعت و عدم تعرض به آن بخشی از حقوق بشر دوستانه را نیز تشکیل می‌دهد.

اجازه دهید بحث را با آموزش و قانونمند کردن چنین مبانی ادامه دهیم. به نظر شما در زمینه آموزش باید به چه مبانی‌یی بپردازیم؟

آموزش به عنوان یکی از ارکان حفظ طبیعت قابل‌تأمل و طرح است. آموزش جامعه امکان فراهم آمدن شناخت طبیعت و ریشه‌ها و علل تخریب آن به همراه علت لزوم حفاظت از آن و نیز برنامه‌ریزی برای این شناخت و حفاظت را تأمین می‌کند. مهم‌ترین عناوین و سرفصل‌های آموزشی عبارت است از: بیان تقدس و نقش طبیعت و منابع طبیعی برای حال و آینده و در نهایت سعی در اصلاح، تعبیر، تفسیر و تلقی جامعه و مراکز تصمیم‌گیری نسبت به طبیعت به گونه‌یی که جملگی بر ارتباط صحیح با طبیعت و استفاده درست از آن همت گمارند و تنها عده یا سازمانی خاص را مسوول حفاظت از آن را نپندارند.

باید یکی از مهم‌ترین حقایق و واقعیت‌ها را بر اساس اصول و ارزش‌های مذکور در فرهنگ غنی اسلامی - ایرانی متمرکز کرد. برنامه آموزش باید آرمان‌ها و فرهنگ جامعه را مدنظر داشته باشد و با ملحوظ داشتن راهبردهای اصلی، مجموعه‌یی از برنامه‌های کوتاه و میان و بلندمدت را در بر گیرد. منابع غنی حقوق اسلامی همراه با نهاد مقدس اجتهاد مستمر شیعی و فراخ نگری ناشی از درد آشنایی و تعهد در قبال حل مشکلات و حوادث واقع می‌تواند چشم‌اندازی بسیار روشن برای جامعه ما ترسیم کند.

من معتقدم که وظیفه اصلی متفکران اسلامی این است که با تبیین و تعلیم حقایق اسلام که از ضمانت اجرایی ایمانی برخوردار است، از انجام عملیاتی غیراسلامی و غیرانسانی از جمله تخریب منابع طبیعی و ذخایر زیستی جلوگیری کند. متون مختلف اسلامی به انحاء مختلف به طبیعت و عناصر آن و همچنین فواید و ثمرات آن اشاره کرده و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته‌اند. آیاتی از قرآن کریم انسان را مورد سوال قرار داده یا او را به دستوراتی امر کرده‌اند که یکی از مصادیق بارز این سوالات و اوامر می‌تواند طبیعت باشد. به هر ترتیب اگر ما بتوانیم دوباره آن رابطه هماهنگ انسان و طبیعت را مجدداً احیا و سامان دهیم، می‌توانیم عالم هستی را موردتأمل و تفقد دوباره قرار دهیم.

من بر این باورم که ما در امر تقنین به این زودی‌ها نیازمند به عبور از عناوین اولیه و تمسک به اصولی همچون ضرورت و مصلحت نیستیم؛ چراکه حقوق اسلامی ظرفیت و توان تأمین خواست‌های نسل متوالی همراه با تغییر اوضاع و احوال و شرایط زمان را دارد. آنچه لازم و ضروری است وجود متفکران آگاه بر سیستم‌های حقوقی عصر حاضر است که در این فرض در همان چارچوب‌های سنتی و مشخص به یقین از منابع حقوق اسلامی استنباطی دیگر خواهند داشت.

شاهد این مدعا تحول و تکامل تدریجی در استنباطات فقهای عظام در قرون متمادی از قواعدی نظیر لاضرر، ضمانات قهریه، اتلاف و تسبیب، عدل و انصاف و ... است. چه کسی می‌تواند انکار کند که تحولی که در فقه شیعه توسط شیخ طوسی در قرن پنجم و علامه حلی در قرن هشتم انجام یافته معلول آشنایی این بزرگواران به نظام‌های حقوقی عصر خویش بوده است؟ ناگفته نماند که تقنین در امر محیط‌زیست تنها به قانونگذاری ملی بسنده نمی‌شود و همکاری جدی جملگی کشورها در آن ضرورتی غیرقابل انکار است.

این اهمیت بدان جهت است که امکان تحدید حوزه تأثیر تخریبات یا حفاظت‌های محیطی در محدوده‌های جغرافیایی وجود ندارد و

به همین سبب فراهم آوردن امکان تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی ضرورت دارد. نمونه بارز این مورد را می‌توان در مخالفت امریکا با پیمان کیوتو مشاهده کرد که نه تنها اجرای پیمان را با مشکل مواجه کرده است که فراتر از آن حتی پیمان توسط دیگر کشورها نتیجه مورد انتظار را در حفاظت از محیط‌زیست در پی نخواهد داشت.

واضح است که قوانین بین‌المللی نیز همانند قوانین ملی نیازمند ضمانت اجرایی است. برای نمونه می‌توان به بی‌اعتنایی کشورهای صنعتی در پایبندی به تعهداتی که در اجلاس ریو، پروتکل مونترال و کنوانسیون استکهلم پذیرفته بودند، اشاره کرد که جلوه این تغییر موضع این کشورها و فقدان ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی را می‌توان در عدم توفیق مورد انتظار اجلاس بالی مشاهده کرد.

در نتیجه سخنان شما می‌توان اینگونه استنباط کرد که شما بازگشت به معنویت، تبیین و اصلاح رابطه انسان و طبیعت، همینطور تدوین قوانین برای حفظ طبیعت را تنها راهکارهای احیای طبیعت و زنده نگاه داشتن آن می‌دانید؟

بله همینطور است. برای حل بحران‌های محیطی رجوع به طبیعت و قوانین و عناصر آن وجود دارد. جامع نگری در طرح‌ها و برنامه‌ریزی برای آموزش عمومی و اصلاح تلقی جامعه نسبت به طبیعت و بویژه تبیین محاسن و ویژگی‌های معنوی و روحانی و مقدس نیز لازمه این امر است.